

نقش سیاق در معنای تعلیلی و تأکیدی بودن «إِنَّ» در آیات قرآن و تأثیر آن بر وقف و ابتدا

(مطالعه موردی: سوره‌های انفال و توبه)

دکتر اعظم پرچم^۱

فاطمه زمانی^۲

چکیده

سیاق از مهم‌ترین قراین برای کشف معانی صحیح آیات است و عدم توجه به آن موجب ارایه تفسیری ناقص از قرآن خواهد شد و فهم صحیح از آیات را با مشکل مواجه خواهد کرد. بنابراین با توجه بیشتر و دقیق‌تر به سیاق، می‌توان از خود آیات، مراد کلام خداوند را فهمید. وقف و ابتدا نیز از جمله دانش‌های قرآنی و از ارکان مهم قرائت صحیح قرآن است. قساری قرآن برای ارایه قرائت صحیح‌تر باید معنای جمله‌ها و عبارات کلام الهی را درک کند و بر محل‌های مناسب وقف کند و از جای نیکو تلاوت را ابتدا نماید.

از جمله مکان‌هایی که سیاق می‌تواند در آن نقشی به سزا داشته باشد، عبارت‌های پایانی آیات قرآن است که با «إِنَّ» آغاز می‌شود. واژه «إِنَّ» در این جمله‌ها به صورت تأکیدی به کار رفته است که بیش‌تر آن‌ها علاوه بر معنای تأکید، تعلیل را نیز می‌رساند.

این مقاله در صدد است نقش سیاق، یعنی قراین برون متنی و درون متنی را بر مفهوم تأکیدی یا تعلیلی بودن «إِنَّ» در چند نمونه از عبارات پایانی آیات (انفال و توبه) بررسی نماید. سپس نوع وقف و وصل بر سر «إِنَّ» در عبارات پایانی آیات مذکور را مشخص کند؛ لذا به منظور دریافت معنا و مفهوم «إِنَّ» در آیات مورد بحث، تفاسیری متعدّد را مورد مطالعه قرار داده‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در برخی از موارد، دانشمندان علم نحو «إِنَّ» در مواضع مشخص شده را تأکیدیه گرفته و به این ترتیب وقف بر قبل آن و ابتدا از بعدش را جایز شمرده‌اند، درحالی‌که با توجه به سیاق آیات قبل و بعد و فضای نزول آیه و دیدگاه مفسران، معنای تعلیلیه بر تأکیدیه ترجیح دارد. بنابراین می‌توان گفت پشتوانه سیاقی تعلیلی بودن «إِنَّ» در برخی آیات بیش‌تر از تأکیدی بودن آن است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سیاق، إِنَّ تأکیدیه و تعلیلیه، وقف، ابتدا.

۱- دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول azamparcham@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان afm.zamani@gmail.com

مقدمه

با مطالعه و تتبع در آثاری که تاکنون در زمینه سیاق نگاشته شده، مشخص می‌گردد که تاکنون توجهی چندان به بازشناسی موضوع وقف و ابتدا بر "إِنَّ" تأکیدیّه و "إِنَّ" تعلیلیّه و معنای دریافتی از آیات مشمول به آن‌ها صورت نپذیرفته است. چنان که مشهود است در کتب وقف و ابتدا در مبحث وقف بر سر "إِنَّ" غالباً تعلیلی یا تأکیدی بودن آن در نظر گرفته نشده و وقف و ابتدا بر آن جایز شمرده شده است. هم‌چنین در بحث تفسیر نیز جداسازی میان این دو صورت نگرفته است. برخی از آثاری را که اشاره‌ای به این موضوع داشته‌اند این گونه می‌توان برشمرد:

۱- پیشینه تحقیق

۱- رضا شکرانی در مقاله «در آمدی بر تحلیل ساخت های نحوی قرآن» (۱۳۸۰) در بحث کلام و اهداف ترجمه به عوامل شکل دهنده پیام کلام در زبان مبدأ و معادل آن در زبان مقصد پرداخته و ساخت‌های نحوی را یکی از مهم‌ترین این عوامل دانسته و به تحلیل مقایسه‌ای میان ساخت‌های نحوی زبان پرداخته است.

۲- رضا شکرانی و محسن توکلی در مقاله «برابر یابی فارسی "إِنَّ" در ابتدای آیات قرآن کریم بر پایه دستور زبان زایشی گشتاری» (۱۳۹۱) به بیان دستور گشتاری زایشی در فهم معنای "إِنَّ" می‌پردازد و مشخص می‌کند "إِنَّ" در ابتدای آیات همیشه تأکیدی نیست، بلکه گاهی صرفاً زبانی است و از ترجمه کردن آن در سایر زبان‌ها باید خودداری کرد.

۳- محسن توکلی در پایان نامه «معنا شناسی نحوی "إِنَّ" و "أَنَّ" در قرآن کریم و برابری آن به فارسی» (۱۳۸۹) به بررسی دو واژه "إِنَّ" و "أَنَّ" پرداخته و مشخص کرده که "إِنَّ" در قرآن کریم گاهی تأکیدی گاهی تعلیلی و گاهی صرفاً زبانی بوده و برخی اوقات حرف ربط است و بیان کرده ان در قرآن کریم حرف ربط و موارد تأکیدی آن بسیار نادر است.

۴- پایان نامه بررسی نوع وقف و وصل بر «إِنَّ» و تأثیر آن بر برخی از ترجمه های قرآن. (جزء ۱ تا ۳) از معصومه درخشانی راد. (۱۳۹۴) ۵- (جزء ۴ تا ۶) از نرجس جوادی (۱۳۹۴) ۶- (جزء ۷ تا ۹) از ریحانه سادات میرمحمدصادقی (۱۳۹۴) ۷- (جزء ۱۰ و ۱۱) از فاطمه زمانی (۱۳۹۶).

برخی آثار که در زمینه سیاق نوشته شده‌اند نیز از این قرار هستند:

- ۱- مقاله «نقش و کارکرد علم سیاق و دانش لغت در بازنگری آیات متشابه لفظی؛ مطالعه موردی تناسب لفظ و معنا» از زهرا محققیان و اعظم پرچم. (۱۳۹۳)
- ۲- پایان نامه سیاق و اثر آن در اختیار قرائات از زهرا قاسم نژاد. (۱۳۹۲)
- ۳- پایان نامه سیاق شناسی آیات متشابه (مورد مطالعه: سوره حمد و بقره) از زهرا محققیان. (۱۳۹۴)

۲- پرسش های تحقیق

- ۱- سیاق تا چه اندازه در تفکیک إِنَّ تعلیلیه و تأکیدیه نقش دارد؟
- ۲- بازشناسی مفهوم «إِنَّ» تعلیلیه و تأکیدیه در نگاه مفسران چگونه صورت می پذیرد؟
- ۳- در دانش وقف و ابتدا «إِنَّ» تأکیدیه چگونه از «إِنَّ» تعلیلیه تفکیک می گردد؟

۳- فرضیه تحقیق

سیاق (قراین برون متنی و درون متنی) بیانگر مفهوم تعلیلیه یا تأکیدیه بودن «إِنَّ» است و در مرتبه بعد با تبیین نوع إِنَّ، وقف و یا ابتدا بر آن را مشخص می کند. پژوهش حاضر به دلیل تمرکز بر بازشناسی وجه تعلیلی از تأکیدی «إِنَّ» با توجه به معنا و سیاق آیات و بررسی امکان وقف یا عدم وقف بر آنها از سایر پژوهش هایی که تاکنون صورت گرفته، متمایز خواهد بود.

۴- روش و روند کلی تحقیق

مراحل و روند کلی تحقیق به شرح زیر است: ابتدا با مراجعه به قرآن کریم برخی از آیاتی که مقاطع پایانی آنها با واژه «إِنَّ» آغاز شده است (مطالعه موردی: سوره های انفال و توبه) انتخاب گردید سپس با مراجعه به تفاسیر شیعه و سنی نظرات برخی مفسران در مورد تک تک آیات استخراج و ثبت گردید. آن گاه با توجه به سیاق آیات، دیدگاه مفسران منتخب (الفرقان، التحریر و التنویر، البحر المحیط، روح المعانی، کشاف، المیزان، مجمع البیان و نمونه) بررسی گردید و با عنایت به سیاق آیات قبل و بعد، نتیجه تعلیلیه و تأکیدی بودن إِنَّ مشخص شده است. مورد دیگر که این پژوهش در صدد تبیین آن است، موضوع وقف و ابتدا در واژه «إِنَّ» در مقاطع پایانی آیات قرآن است و نشان می دهد دانش وقف متوقف بر سیاق می باشد.

شایسته است قبل از شروع بحث درباره موضوع مورد نظر و جهت اهمیت سیاق در تشخیص نوع **إِنَّ** و تأثیر آن بر وقف و ابتداء، به تعریف برخی مبانی مانند سیاق، **إِنَّ** تأکیدیه و تعلیلیه، وقف و ابتداء برای آشنایی بیش تر خوانندگان پرداخته شود.

۵- سیاق در لغت و اصطلاح

سیاق یکی از بهترین قراین برای کشف معانی صحیح آیات است و عدم توجه به آن موجب خواهد شد تفسیری ناقص از قرآن ارایه شود و فهم درست از آیات را با مشکل مواجه کند. مفسران و دانشمندان علوم قرآنی همواره به ارزش و اهمیت دلالت سیاق در فهم درست آیات قرآنی توجه داشته‌اند. بنابراین عنایت بیش تر و دقیق تر به سیاق، این معنا را مشخص می‌کند که از خود آیات می‌توان در فهم مراد کلام خداوند کمک گرفت.

«سیاق مصدر فعل «ساق»، «یسوق» است که به دلیل کسره «سین»، حرف «واو» به «یاء» تبدیل شده است و در کتب لغت معانی متعدّد برای آن ذکر کرده‌اند که در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «و یوم یکشف عن ساق»: شدت و سختی را می‌رساند. «والتفت الساق بالساق»: سختی دنیا و سختی آخرت را مورد توجه قرار می‌دهد. هنگامی که می‌خواهند شدت کاری یا خبری را بیان نمایند از «ساق» استفاده می‌کنند، مثلاً اگر بگویند ولدت ثلاثة بنین علی ساق، منظور پشت سر هم و بدون فاصله است.» (فیروز آبادی، بی تا: ۲۷۴/۳)

(رأیت فلانا یسوق): فلانی را دیدم در حال جان کندن بود. (ساق) فلانا: به ساق پای فلانی زد. او را از پشت سر به جلو راند. (ساق) الحدیث: سخن را مترتب و پشت سر هم و نیکو بیان کرد. (سیاق): مهریه، (سیاق) الکلام: اسلوب گفتار، سیاق سخن. جان کندن. (بندر ریگی، ۱۳۹۲: ۹۸۹/۱-۹۹۰)

راندن و هدایت کردن چیزی مخصوصاً راندن شتر، شدت داشتن و مهریه زنان. علت تسمیه این واژه به مهریه آن است که اعراب به هنگام ازدواج، شتران و گوسفندان را مهریه داده و آن‌ها را به خانه عروس سوق می‌دادند. (ابن منظور، بی تا: ۱۶۶/۱۰)

سوق به معنای بازار و مکان خرید کردن نیز از جهت این که تجارت و کالاهای مردم به سوی آن هدایت می‌شود، نامیده شده است. (ابن منظور، همان: ۱۶۷/۱۲-۱۶۸)

سیاق در اصطلاح اهل ادب به طرز جمله بندی که بر گرفته از چینش و نظم خاصه کلمات است، گفته می شود به گونه ای که گاهی افزون بر معنای هر یک از کلمه ها سپس معنای جمله، معنایی دیگر را نیز برای جمله به همراه آورد. (خامه گر، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

از جمله تعریف های معروف برای سیاق، تعریفی است که محمّد باقر صدر ذکر کرده است. ایشان سیاق را این گونه تعریف می کند: «منظور ما از سیاق، همه آن چیزی به شمار می رود که لفظ مورد قصد و در معرض درک و فهم را، در بر گرفته است. این امور غیر از دلالت هایی است که در خود معنای کلمات وجود دارد، خواه آن دالّ لفظی باشد، مانند کلماتی که یک کلام مرتبط و واحد را تشکیل می دهند یا حالی باشد، مانند شرایط و مناسبت هایی که کلام را در بر گرفته است و در دلالت موضوع نقش دارد.» تعریف یاد شده بر این مطلب تصریح می کند که سیاق همه انواع قراین لفظی و حالیّه جمله و در نتیجه بافت درون زبانی و برون زبانی را فرا می گیرد. (حیب اللّهی، ۱۳۹۴: ۵۶)

۱-۵: ارکان سیاق

در بحث از سیاق و دلالت آن توجه به دو موضوع حایز اهمیت است:

۱-۱-۵: ارکان سیاق

دو رکن اصلی سیاق، وحدت موضوع و وحدت ساختاری است. هرگاه در یک آیه، وحدت موضوع مسلّم باشد، آنچه باید احراز و اثبات شود، وحدت ساختاری است؛ مثلاً در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، موضوع اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ و اولی الامر است. اکنون با استناد به اصل یگانگی حکم معطوف و معطوف علیه و عطف شدن اولی الامر بر رسول، وحدت ساختاری نیز اثبات می شود؛ در نتیجه آیه بر عصمت اولی الامر دلالت می کند. بنابراین سیاق زمانی می تواند به عنوان قرینه باشد که اتساق و انسجام بین آیات مسلّم باشد.

۲-۱-۵: انواع سیاق

هر گونه دلیلی است که به الفاظ و عبارات مورد بحث پیوند خورده باشد، خواه این دلایل از مقوله الفاظ باشد، مانند کلماتی دیگر که با عبارت مورد نظر، یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می دهد و یا خواه قرینه حالیّه باشد، مانند اوضاع و احوال و شرایط و مناسباتی که سخن در آن طرح شده و در موضوع و مفاد لفظ و عبارت مورد بحث به نوعی روشننگر و مؤثر هستند. (صدر، ۱۴۱۰: ۱۰۳/۱)

مطابق این تعریف، سیاق واژه ای عام شمرده می‌شود که به دو قسم سیاق داخلی و خارجی قابل تقسیم است. سیاق داخلی نشانه های لفظی یا به عبارت دیگر عناصر زبانی داخل متن و سیاق خارجی عناصر حالتیه است. (بر کاوی، ۱۴۱۱: ۲۴۳) هر یک از این انواع نیز گاه پیوسته به کلام بوده و گاه گسسته از آن است. در بازگردان فارسی آیات قرآن از ترجمه ناصر مکارم شیرازی بهره برده شده است.

۵-۲: کاربرد قاعده سیاق

کاربرد اصطلاح و مفهوم سیاق در حوزه های علوم و معارف اسلامی، مانند حدیث، فقه، اصول و به ویژه در تفسیر آیات قرآن از اهمیتی زیاد برخوردار است. استناد مفسران به سیاق کلام با هدف بیان مراد متکلم و به عنوان مبنای اصلی ساخت و چینش جملات نقش عمده و اساسی دارد؛ از این رو تأثیر سیاق در استیفای معانی و بیان غرض متن جایگاه مهم می یابد.

زرکشی دلالت سیاق را در تبیین مجمل و تخصیص عام و تقييد مطلق و تنوع دلالت راهگشا می‌داند و می‌گوید: «دلالت سیاق از بزرگ‌ترین قرآینی است که مراد متکلم را می‌رساند و هر کس از آن غفلت کند، در موارد مشابه آن دچار اشتباه می‌شود و در مناظرات خود مغالطه می‌کند. به این سخن خداوند بنگر: «ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» (دخان/۴۹) «عذاب دوزخ را بچش که تو بسیار عزیز و گرامی هستی» خواهی دید سیاق آن دلالت می‌کند که منظور از عزیز و کریم، ذلیل و حقیر است.» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۳۵/۲)

۵-۲-۱: نمونه ای از کاربرد سیاق

اینک برای درک بهتر این موضوع نمونه ای از کاربرد سیاق در قرآن بیان می‌شود. هر چند استقرایی ناقص است ولی با نگرستن در تفسیر آیات به این حقیقت دست می‌یابیم که سیاق آیات و دلالت آن، نقشی ویژه در تفسیر و کشف معانی آن‌ها دارد.

«وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (احزاب/۲)

«و آنچه از ناحیه پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن، که خدا به آنچه که می‌کنید

همواره با خبر است.»

در تفسیر آیه چنین آمده است: «هرچند آیه مفهوم عام و گسترده خود را دارد، ولی چون در سیاق نهی آیه پیشین است «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا

حَكِيمًا» (احزاب/۱)، «ای پیامبر همیشه خداترس و پرهیزکار باش و هرگز تابع رأی کافران و منافقان مباش که همانا خدا دانا و حکیم است.»

مراد پیروی از وحی، پیروی از وحی‌ای است که درباره اطاعت نکردن از کافران و منافقان آمده است و نیز جمله پایانی آیه: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» بر اراده این معنای خاص از آیه، در کنار معنای عام و گسترده آیه، دلالت دارد، پس مؤید دلالت سیاق آیه، جمله پایانی آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۴/۱۶؛ حوی، ۱۴۲۴: ۴۳۸۶/۸)

بنابراین، توجه به سیاق، تناسب آیات و هم‌چنین کلمات یک آیه در فهم موضوعات و اهداف قرآن، بسیار ضروری است.

۶- بررسی مفهوم إِنَّ در علم نحو

«زبان عربی از جمله زبان‌هایی است که قواعدی بسیار گسترده، کامل و در عین حال پیچیده و دشوار دارد؛ یادگیری و کاربرد این قواعد در دریافت جامع معنای کلام نقشی مهم ایفا می‌کند. وجود الفاظ مشترک با معانی گوناگون و نیز وجود معانی مشترک در الفاظ غریب، کثرت مترادفات و و ظرافت‌های معنایی آن‌ها در تفاوت‌های لفظی اندک، از جمله ویژگی‌های این زبان و اشتغال آن بر مفاهیم گوناگون است. رابطه دانش نحو و معنا شناسی به گونه‌ای است که اگر یکی از این دو به شکل درست به کار گرفته نشود، دیگری نیز به تأثیر از آن مخدوش و ناقص می‌گردد و مقصود متکلم به درستی به مخاطب انتقال نمی‌یابد.» (خزعلی، ۱۳۸۹: ۲)

یکی از مواضعی که به نظر می‌رسد بیش‌تر دانشمندان وقف و ابتدا به غیر از قوانین نحو مواردی دیگر چون معنا و سیاق آیه را در مورد آن بررسی ننموده‌اند، جواز وقف بر سر «إِنَّ» و ابتدا از آن است. غالب نحویان برای «إِنَّ» ابتدای عبارت، معنای تأکید را پذیرفته و به این ترتیب وقف بر سر آن را جایز شمرده‌اند، در حالی که انتخاب چنین معنایی برای تمام موارد «إِنَّ» صحیح نیست.

۶-۱: مواضع قرار گرفتن «إِنَّ» در جمله

محمد بن یوسف ابو حیان در کتاب الهدایة فی النحو مواضع قرار گرفتن «إِنَّ» را چنین عنوان می‌کند: ۶-۱-۱: در ابتدای کلام برای بیان حقیقتی، مانند: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر/۱)، «ما به تو کوثر [خیر و برکت فراوان] عطا کردیم» یا حکمی، مانند: «أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره/۲۱۴)،

«آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است» و «كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ» (عبس/۱۱)، «هرگز چنین نیست که آنها می‌پندارند؛ این (قرآن) تذکر و یادآوری است» «ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ» (مؤمنون/۱۵)، «سپس شما بعد از آن می‌میرید».

۶-۱-۲: بعد از قول، مانند: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» (مریم/۳۰)، «گفت همانا من بنده خاص خدایم.»
 ۶-۱-۳: بعد از موصول، مانند: «مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْمُضْبَةِ» (قصص/۷۶)، «که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود»؛

۶-۱-۴: هنگامی که خبر با لام همراه باشد، مانند: «إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (انفطار/۱۳) «نیکوکاران (در بهشت) در نعمت هستند.»

۶-۱-۵: بعد از قسم، مانند: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (عصر/۱-۲)، «قسم به زمان و عصر که انسان همه در خسر و زیان است.»

۶-۱-۶: بعد از امر، مانند: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (روم/۶۰)، «پس تو ای رسول صبر پیشه کن که وعده خدا حق و حتمی است.»

۶-۱-۷: بعد از نهی، مانند: «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (توبه/۴۰)، «نترس که خدا با ما است.»

۶-۱-۸: بعد از ندا، مانند: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ» (مریم/۷)، «ای زکریا همانا تو را به فرزندی که نامش یحیی است، بشارت می‌دهیم.» (ابو حیان، ۱۳۸۴: ۲۷۸-۲۷۹)

۶-۲- معنای تعلیلی «إِنَّ»

تعلیل در لغت برگرفته از واژه علل است که معانی گوناگون برای آن نوشته اند:

«سَقَىٰ بَعْدَ سَقْيِي وَجَنِي الثَّمَرَةَ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَىٰ» آب نوشیدن پی در پی، چیدن میوه یکی پس از دیگری. (ابن منظور، بی تا: ۴۶۸/۱۱)

«علل» شرب دوم یا نوشیدن پشت سر هم، «تعلیلا» مشغول غذا و غیر آن بودن. (فیروز آبادی، بی تا: ۲۰/۴)

«علل» شرب دوم که گفته می‌شود «علل بعد نهل» (نهل شرب اول را می‌گویند. (طریحی، بی تا: ۳۸۱/۴). «تعلیل الصبی» وعده دادن به کودک و سرگرم ساختن او تا از آن چه می‌خواهد دور شود. (طریحی، همان: ۲۳۳/۳)

بر اساس تعاریف پیش گفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعلیل آمدن چیزی در پی چیزی دیگر به شمار می‌رود که بیان دلیل و علت سخنی پس از آن نیز به همین خاطر تعلیل نامیده شده است. بنابراین تعلیل در ادبیات به معنای علت آوردن، سبب امری را ذکر کردن و چیزی را با دلیل ثابت کردن به کار می‌رود.

در کتب نحوی ضمن تقسیم بندی‌هایی که برای موارد جواز کسر و فتح «إِنَّ» انجام گرفته، از تعلیل هم یاد شده است. به این ترتیب که چنانچه در جمله‌ای بتوان به جای «إِنَّ» «أَنَّ» جایگزین کرد، می‌توان معنای تعلیل را از آن استخراج نمود. (دقر، بی تا: ۷۱/۱؛ برکات، بی تا: ۲۱۵/۱؛ حسینی خراسانی، ۱۴۲۷: ۹۱)

این معنای تعلیل به صورتی است که در جمله «إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ»، همان پیش از آن که او را فرا خوانیم، به درستی او نیکوکار و مهربان است. نافع و کسائی به فتح همزه و تقدیر لام علت خوانده؛ لأنه هو البرُّ الرحيم، یعنی تأویل به مصدر شده است؛ و بقیة قراء به کسر همزه و تقدیر استینافی که در آن نیز معنای علت وجود دارد، تلاوت نموده اند که منظور از استیناف همان ابتدای جمله تام و کامل است. (برکات، همان: ۲۱۶/۱)

از این رو در این جا میان إِنَّ و أَنْ تفاوت معنایی وجود ندارد، چرا که هر دو همان معنای تعلیل را به مخاطب القا می‌نمایند.

سیوطی در الاتقان برای «إِنَّ» سه وجه ذکر کرده است:

«نخست: تأکید و تحقیق که غالباً چنین است، مانند: «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره/۱۷۳)، «به تحقیق خدا آمرزنده و مهربان است.»، «إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ» (یس/۱۶)، «همانا ما فرستاده او به سوی شما هستیم.»، عبد القاهر گفته: و تأکید با آن قوی‌تر از تأکید با لام و بیش تر مواقع آن به حسب استقرا است و جواب سؤال ظاهر یا مقلتر شمرده می‌شود، در صورتی که سؤال کننده در آن باره گمان داشته باشد. دوم: تعلیل، که ابن جنی و اهل بیان گفته و چنین مثال آورده‌اند: «وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مزمل/۲۰)، «و از خدا آمرزش طلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»، «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (توبه/۱۰۳)، «و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی و آرامش خاطر آنها شود.»، «وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (یوسف/۵۳)، «و من نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمی دانم زیرا نفس امّاره انسان

را به کارهای زشت و ناروا وا می‌دارد.» و این نوعی از تأکید است. سوم: به معنای نعم، که اکثر آن را آورده، و عده‌ای از جمله مبرد این باور را برگزیده‌اند: «إِنَّ هَذَا لَسَاحِرَانِ» (طه/۶۳)، «این دو تن همانا ساحر هستند.» (سیوطی، ۱۳۷۶: ۵۳۷/۱)

بنا بر آن چه گفته شد در می‌یابیم که برای *إِنَّ* علاوه بر تأکید ویژگی دیگری نیز وجود دارد و آن تعلیل و سببیت است که هر دو کاربرد با توجه به جایگاه واژه در جمله و سیاق عبارات قابل تشخیص است.

۳-۶: بازشناسی «*إِنَّ*» تعلیلیه

تا این قسمت وجود معنایی دیگر به نام «تعلیل» برای *إِنَّ* اثبات شد. برای تشخیص این معنا در جمله، لازم است نکاتی مورد توجه قرار گیرد. با جستجو در میان کتب ادبیات عربی شیوه‌ای به چشم می‌خورد که با کمک آن می‌توان *إِنَّ* تعلیلیه را از تأکیدیّه باز شناخت و آن قرار گرفتن این واژه پس از فعل امر یا نهی می‌باشد. لازم به ذکر است که این دو مورد ذیل مواضع وجوب کسر همزه *إِنَّ* آورده شده‌اند:

۳-۶-۱: بعد از امر

تعلق بین عبارت شامل *إِنَّ* و جمله امر ممکن است علاقه تعلیلیه باشد یا این که معنای تعقیب و یا استیناف بدهد:

مانند: «فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (یوسف/۸۸)، «پس پیمان‌ها را برای ما کامل ساز و بر ما تصدق کن که خدا تصدق کنندگان را پاداش می‌دهد.»

«اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه/۴۳)، «بروید به سوی فرعون که او سخت به راه کفر و طغیان شتافته است.»

۳-۶-۲: بعد از نهی

مانند: «وَكَلَّا تَيَأْسُوا مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْكَافِرُونَ» (یوسف/۸۷)، «و از رحمت بی‌منت‌های خدا نومید مباشید که هرگز جز کافران هیچ کس از رحمت خدا نومید نیست.»

«يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم/۴۴)، «ای پدر هرگز شیطان را نپرست که شیطان سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد.» (برکات، بی تا: ۱۹۷/۱-۱۹۸)

به منظور تشخیصِ إِنَّ تعلیلیّه از دیگر مواضع آن، لازم است سیاق عبارات و معنا و مفهوم کلی آن مورد بررسی قرار گیرد، به همین دلیل در پژوهش حاضر از تفاسیر نیز بهره گرفته شده است، چرا که مفسران برای فهم آیات علاوه بر قوانین مربوط به نحو و علم بلاغت، سیاق و سیر کلی آنها را نیز مد نظر قرار داده اند.

۶-۴: معادل یابی «إِنَّ» تعلیلیّه در ترجمه

در هر زبان مجموعه ای از الفاظ وجود دارد، این الفاظ قالبی برای معنا هستند. مسلماً هیچ اندیشه ای به جز از طریق بیان این الفاظ، نمی تواند منتقل شود. از این رو لازم است با الفاظ و معانی یک زبان و اشتراک و ترادف در آن آشنا باشیم. هم چنین شناخت افعال و نحوه کاربرد آن ها در جمله و حروف و جایگاه آن ها و تفاوت های میان کلمات، به خصوص در زبان عربی که دریایی بس عمیق است، اهتمام بورزیم. گاهی کلمه در جمله معنایی پیدا می کند که با معنای آن کلمه به تنهایی، کاملاً متفاوت است. این گونه مسایل نیاز به دقت و تأمل دارد. از این رو صرف مراجعه به فرهنگ های لغت برای تشخیص معنای صحیح کافی نیست؛ زیرا ممکن است کلمه دارای معانی متعدّد باشد، اما نیاز به گزینش و انتخاب معنای مناسب با جمله از بین معانی دیگر دارد. (فاضل، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸) چنان که قواعد مربوط به صرف و نحو در رسیدن به معنای صحیح کمک می نماید.

پاکتچی نیز مهم ترین وظیفه مترجم در فرآیند کار خود را یافتن هم ارزها میان زبان مبدأ و زبان مقصد دانسته است و در ادامه چنین بیان می کند: «در این خصوص بیش تر به هنگام سخن از هم ارزها، واژه های هم ارز میان دو زبان به ذهن خطور می کند که همواره برابر نهادهای مرسوم در فرهنگ لغت های دو زبان را به یاد می آورد، ولی این هم ارزها ممکن است در جزئی از واژگان، یا حتی آن سوی واژه، در ساخت های دستوری و ساخت های سبکی باشد.» وی هم چنین ارتباط مسئله هم ارزها با مسئله معنا و فرآیند معنا سازی را ارتباطی استوار معرفی می کند (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۵۰).

همان طور که می دانیم «إِنَّ» نیز یکی از الفاظ قرآن کریم به حساب می آید که مترجمان فارسی زبان معادل هایی را برای آن انتخاب نموده اند که بر اساس جایگاه این واژه در جمله متفاوت خواهد بود. اکثر آنها «إِنَّ» را به عنوان تأکید و با کلماتی چون: همانا، بی شک، مسلماً، در حقیقت، به درستی که، بی گمان، بی تردید، یقیناً، قطعاً و به یقین ترجمه کرده اند؛ البته ناگفته نماند که برخی از مترجمان معاصر معنای تعلیلی «زیرا» را نیز برای آن آورده اند. هم چنین برخی از

همین مترجمان گاهی این واژه را به صورت حرف ربط «که» ترجمه نموده و گاهی آن را بدون هیچ هم ارزی رها نموده اند.

مرتضی کریمی نیا در مقاله «چه را ترجمه نکنیم و چرا؟» خود برگردان کلمه *إِنَّ* را یک نارسایی بزرگ در ترجمه های فارسی قرآن کریم مطرح می کند. وی بر خلاف تصویری که غالب نحویان از «*إِنَّ*» دارند، برای این حرف علاوه بر معنای تأکید، حرف ربط و معنای تعلیل را نیز بر می شمرد. وی هم چنین از میان تأکید، تعلیل و ربط کم ترین کاربرد را از آن تأکید دانسته است و در ادامه می گوید: «میزان تأکید *إِنَّ* نسبت به ادات دیگر بسیار اندک و ناچیز است که می توان آن را ترجمه نکرد.» (کریمی نیا، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲)

با توجه به مطالب پیشین در می یابیم که «*إِنَّ*» در تمام موارد معنای تأکید نخواهد داشت؛ بلکه در مواردی می تواند دلالت بر تعلیل نماید. بنابراین در برگرداندن این حرف به فارسی باید توجهی بیش تر انجام شود تا بتوان معنای صحیح آن را به مخاطب القا نمود.

۷- تفسیر

اختلاف های تفسیری در بعضی از موارد بر چگونگی وقف و ابتدا تأثیر می گذارد، لذا تعیین محلّ وقف در آیات قرآن باید با ملاحظه اقوال تفسیری صورت پذیرد.

به طور مثال، در آیه «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتَّخَذَ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ.» (توبه/۹۹)، «و برخی دیگر از همان اعراب بادیه نشین ایمان واقعی به خدا و قیامت آورده و آنچه در راه خدا انفاق می کنند، موجب تقرب نزد خدا و دعای خیر رسول دانند. آری آگاه شوید که انفاق آنها موجب قرب خدا است و البته خدا آنها را در سرای رحمت خود داخل می گرداند که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.» دو گونه تفسیر وجود دارد: اول این که خداوند به علت آمرزنده و مهربان بودن از خطاهای گذشته ایشان می گذرد و آنها را در رحمت خود غوطه ور می کند؛ در نتیجه به دلیل این پیوست معنایی، وقف در آیه یاد شده جایز نیست؛ اما بر مبنای تفسیر دوم خداوند به خاطر کفر گذشته آنان آمرزنده و نیز به دلیل بخشیدن نعمت هایی به آنها مهربان است. و تأکید کرده که این گروه در رحمت الهی غوطه ور هستند و آن را نهایت لطف و رحمت خداوند نسبت به اینان می دانند. بر این اساس وقف بر قبل *إِنَّ* و ابتدا بر سر آن جایز است.

یکی از قواعد مهم در تفسیر آیات قرآن کریم، توجه به بافت و سیاق آیات است. از سیاق آیات به عنوان یکی از قراین متصله در فهم کلام استفاده می‌شود تا در نتیجه معنای آیات در ضمن سیاق آن‌ها دانسته شود، به عبارت دیگر سیاق یکی از بهترین قراین برای کشف معانی دقیق آیات است و عدم توجه به آن موجب خواهد شد تفسیری ناقص از قرآن ارایه شود و بر اساس آن وقف و ابتدای آیه را تغییر دهد.

۸- وقف در لغت و اصطلاح

سه حرف واو و قاف و فاء اصلی واحد است که دلالت بر درنگ کردن بر چیزی می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۳۵/۶) از جای خود برخاست و ایستاد. از راه رفتن دست بازداشت و ایستاد (وَقَفَ) عَلَي الشَّيْءِ: آن چیز را دید، آن را نگریست (وَقَفَ) فِي الْمَسْأَلَةِ: در آن مسأله شک کرد (وَقَفَ) عَلَي الْكَلِمَةِ: بر آن کلمه وقف کرد و آن را به کلمه بعد وصل نکرد. گفته می‌شود «كَلِمَتُهُمْ ثُمَّ أَوْقَفْتُ عَنْهُمْ» با آنان سخن گفتم سپس از آن‌ها وقف نمودم یعنی امساک کردم (سکوت کردم) و از هرچه امساک کنی گفته می‌شود «أَوْقَفْتُ» وقف نمودم. «شیبانی، بی تا: ۲۹۰/۳) وقوف (ایستادن) متضاد جلوس به معنای نشستن است، به کسی که در مکانی می‌ایستد واقف می‌گویند. جمع کلمه وقف وقوف است. گفته می‌شود: «وَقَفَتِ الدَّابَّةُ تَقِفُ وَفُوقًا» جنبنده بی حرکت و ساکن شد. (ابن منظور، بی تا: ۳۵۹/۹)

دانشمندان وقف و ابتدا تعاریفی مختلف از وقف ارایه کرده اند که چند مورد از آن‌ها بیان می‌شود. وقف در اصطلاح عبارت از قطع صوت به مدت زمان اندکی در آخر کلمه و یا قطع کلمه از ما بعد آن است. (اشمونی، ۱۴۲۲: ۲۴)

وقف عبارت از قطع صوت بر کلمه ای که معمولاً همراه با تجدید نفس با نیت شروع قرائت نه به نیت اعراض است (و ختم قرائت) که دو گونه است یا از بعد کلمه وقف شده و یا از قبل آن شروع خواهد شد. (ابن جزری، بی تا: ۲۴۰/۱)

جعبری نیز در تعریف وقف چنین عنوان می‌کند: «وقف قطع صوت قاری را برای مدت زمان اندک در آخر کلمه ای گویند.» (عوض صالح، ۱۴۲۹: ۱۸-۱۹)

تعریف ابن جزری از سایر تعاریف جامع تر است، به دلیل این که با ذکر قید «تجدید نفس» سکت را از تعریف خارج کرده؛ زیرا سکت قطع صوت به مدت اندک بدون تجدید تنفس است و نیز با قید «به نیت شروع قرائت» قطع را از تعریف خارج نمود. (همان، ۱۸)

۹- ابتدا در لغت و اصطلاح

از سه حرف باء و دال و همزه به معنی شروع نمودن چیزی تشکیل شده است. گفته می شود: «بَدَأْتُ بِالْأَمْرِ وَابْتَدَأْتُ» یعنی کاری را آغاز نمودم و شروع کردم. همان طور که خداوند - عزَّ و جَلَّ- در قرآن فرموده است: «إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيهِ وَيُعِيدُهُ» (بروج/۱۳)، «او به حقیقت نخست خلق را بیافرید و باز به عرصه قیامت برگرداند.» و «كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» (عنکبوت/۲۰)، «خدا چگونه خلق را ایجاد کرده.» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱۲/۱) اصل واحد در این ماده ابتدا و افتتاح (شروع کردن) است و به همین دلیل به هر مبدأ و سرآغازی اطلاق می شود. (مصطفوی بی تا: ۲۴۵-۲۴۶) و بَدَيْتُ بِالشَّيْءِ وَبَدَأْتُ؛ ابْتَدَأْتُ. وَأَبْدَأْتُ بِالْأَمْرِ بَدْءًا ابْتَدَأْتُ بِهِ. وَبَدَأْتُ الشَّيْءَ: فَعَلْتُهُ ابْتِدَاءً. (ابن منظور، بی تا: ۲۷/۱)، یعنی چیزی را شروع نمودم و ابتدا کردم و کاری را آغاز نمودم.

دانشمندان متقدم در این عرصه تعریف اصطلاحی دقیقی از ابتدا ارایه نداده اند و ممکن است به این دلیل باشد که بیش تر توجه و تمرکز آنان بر وقف بوده و به طور طبیعی هنگامی که موضع صحیح وقف مشخص شود، ابتدای صحیح هم تا حدودی روشن می شود. «ابتدا» همیشه اختیاری است، زیرا، مانند وقف نیست که به ضرورت قاری را وادار به وقف می کند. بنابراین ابتدا جایز نیست مگر در موضعی که کلام معنایی مستقل داشته و به مقصود وافی باشد. (ابن جزری، بی تا: ۲۳۰/۱)

«ابتدا» عبارت از آغاز قرائت پس از وقف، یا شروع تلاوت پس از قطع یا وقف است، چنانچه «ابتدا» پس از قطع باشد بر قاری است که هنگام شروع تلاوت استعاذه و بسم الله بگوید چه اول سوره باشد یا وسط آن. (عوض صالح، ۱۴۲۹: ۱۹-۲۰)

۱۰- وصل در لغت و اصطلاح

«وصل» عبارت از وصل نمودن چیزی به چیز دیگر، مانند طناب و چیزهای مشابه آن است و وصل ضده قطع است. (ابن درید، بی تا: ۸۹۸/۲) وَصَلَ الشَّيْءَ بِالشَّيْءِ: آن چیز را به چیزی دیگر

وصل کرد و به هم چسباند. هر چیزی به چیز دیگری متصل می شود و چیزی که بین آن دو قرار می گیرد وُصلَة نام دارد. واو و صاد و لام اصل واحدی است که بر ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر به نحوی دلالت دارد که به آن تعلق داشته باشد. ضد وصل، هجران (دوری) است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۶)

در اصطلاح علم قرائت عبارت از وصل کردن و پیوند دادن جملات به یکدیگر و از نظر علمای قرائت اصطلاح «وصل» در مقابل وقف آمده است. (علمای، بی تا: ۴۶)

۱۱- نقش سیاق در معنای تعلیلی و تأکیدی بودن «إِنَّ» در آیات قرآن و تأثیر آن بر وقف و ابتدا

در تحقیق حاضر، برای بررسی نوع مقاطع پایانی آیات به سیاق آیات توجه شده و به عبارات پیش از آن‌ها و هم‌چنین آیات قبل و بعد آن مراجعه شده و ارتباط میان تک جمله انتهایی و جملات ما قبل آن و آیات پیش و پس آن مورد ارزیابی قرار گرفته است، چون عبارت پایانی یک آیه، ادامه مطالب عبارات پیش از خود در همان آیه به شمار می‌آید و در بیش‌تر موارد این عبارات موجود در آیه در انتقال یک مفهوم کلی نقش دارند. از جمله مواردی که این مقاله در صدد تبیین آن می‌باشد موضوع وقف و ابتدا در واژه «إِنَّ» و بیش‌تر در مقاطع پایانی آیات قرآن است و نشان می‌دهد دانش وقف متوقف بر سیاق است.

۱۱-۱: «إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَيْتُمْ كَثِيرًا نَّفْسَيْتُمْ وَ لَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.» (انفال/۴۳)، «در آن هنگام که خداوند تعداد آن‌ها را در خواب به تو کم نشان داد؛ و اگر فراوان نشان می‌داد، مسلماً سست می‌شدید؛ و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می‌کشید؛ ولی خداوند (شما را از شر این‌ها) سالم نگه داشت؛ خداوند دانا به درون سینه‌ها است.»

۱۱-۱-۱: نقش سیاق در آیه ۴۳ انفال

این آیات در مورد جنگ بدر و ویژگی های آن گفتگو می کند. آیه ۴۱ در مورد غنایم جنگی و چگونگی تقسیم آن است. در آیه ۴۲ به وضعیّت مسلمانان در جنگ بدر اشاره می‌نماید و موقعیّت دشمنان را بیان می‌کند. مسلمانان در موقعیّت پایین‌تر از دشمنان قرار داشتند و دشمنان در جایی مرتفع و این به ظاهر به ضرر مسلمانان بود. از نظر تعداد هم مسلمانان نسبت به دشمنان بسیار کم‌تر بودند تا آن‌جا که گاهی دشمن می‌خندید و می‌گفت تعداد مسلمانان به اندازه خوراک یک شتر

است. به هرحال هم از نظر موقعیت مکانی و هم تعداد نفرات به ظاهر شکست مسلمانان حتمی بود، قرآن می فرماید اگر مسلمانان به این شرط آگاه بودند حتماً در این که وارد جنگ شوند با یکدیگر اختلاف می کردند و سست می شدند.

اما خداوند آن ها را در یک عمل انجام شده قرار داد و بدون آگاهی از شرایط مذکور وارد جنگ گشتند. خداوند تعداد دشمن را در نظر آن ها کم جلوه داد تا آن ها مصمم شوند و شمار مسلمانان را نیز در نزد دشمن اندک نمایان سازد تا آن ها هم وارد جنگ شوند و شکستشان حتمی گردد. در آیه مورد نظر اشاره می کند: پیامبر ﷺ در آن زمان در خواب دید تعداد دشمنان کم است و اگر شمار آن ها را زیاد نشان می داد به سستی می گراییدند و در امر جنگ به اختلاف می پرداختند. در پایان می فرماید: «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»، «خداوند به درون سینه ها آگاه است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۳/۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۴/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۸۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷۱/۷)

۱۱-۱-۲: نوعِ اِنِّ در آیه ۴۳ انفال

اِنِّ در این آیه تعلیلیه است، چون خداوند بعد از آن به صفت علیم بودن خود اشاره دارد، یعنی به علت این که خداوند از درون سینه ها باخبر است و می داند که اگر پیامبر ﷺ در خواب تعداد دشمن را کم نمی دید و به مسلمانان نمی گفت با توجه به آیات قبل چنانچه از شرایط سخت دیگر جنگ باخبر می شدند حتماً از رفتن به جنگ خودداری می کردند ولی خداوندی که از همه چیز آگاه است شرایط را به گونه ای رقم زد که مسلمانان وارد جنگ شوند و پیروز گردند؛ زیرا یاری خداوند همراهشان بود و دشمنان اسلام هم، در جنگ به شکستی مفتضح دچار شدند و خداوند خوب می داند که برای اطمینان یافتن و استواری و نیرومند گشتن دل ها چه چیز شایسته است.

حال با روشن شدن ارتباط معنایی عبارت مذکور با ما قبل، لازم است از وقف بر پیش از واژه «اِنِّ» خودداری شود و چنانچه تلاوتگر مجبور به این عمل شود باید از جایی که در معنای آیه خلل ایجاد نمی کند، ابتدا نماید.

با توجه به روابط معنایی آیه و تأکید در جمله آخر، مترجمانی چون بهرام پور و فولادوند که از "چراکه" برای ترجمه واژه «اِنِّ» استفاده کرده اند، ترجمه ای بهتر ارائه کرده اند.

۱۱-۲: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَدْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.»

(انفال/۴۶)، «و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست

نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است.»

۱۱-۲-۱: بررسی سیاق آیه ۴۶ انفال

این آیات با توجه به سیاق آیات قبل در مورد جنگ بدر گفتگو می‌کند. در آن زمان خداوند شمار دشمنان را در چشم مسلمانان کم جلوه داد و تعداد مسلمانان را نیز در چشم دشمن اندک نمایان ساخت تا هردو گروه وارد جنگ شوند. در اثنای جنگ جریان برعکس شد دشمن کم و ضعیف شد و یاری خداوند به سمت مسلمانان بود. آن‌ها در نظر دشمن زیاد شدند و سرانجام مسلمانان پیروز گشتند و دشمن شکست خورد. آیات ۴۵ و ۴۶ در همین راستا شامل دستورهای مهم به مسلمانان است. نخست این که می‌فرماید: ای مؤمنان هنگامی که گروهی از دشمنان را در میدان نبرد دیدید، ثابت قدم باشید. دوم خدا را زیاد یاد کنید تا رستگار شوید. سوم از دستورهای خداوند و پیامبرش ﷺ اطاعت کنید. چهارم از نزاع و اختلاف که باعث شکست شما می‌شود، پرهیزید.

در پایان آیه ۴۶ می‌فرماید: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»، «صبر پیشه کنید که خداوند با صابران است.» و در این جمله دستور به استقامت در برابر دشمنان و در مقابل حوادث سخت را می‌دهد و تذکر می‌دهد که مبدا ناملازمات جنگ از استقامت شما بکاهد و سست شوید. همواره به یاد خداوند متذکر و به او امید داشته باشید و صبر پیشه کنید، همانا خداوند یاور است که در شداید و رنج‌ها به فریاد مؤمنان می‌رسد. (طبرسی، همان ۸۴۲/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۱۱/۵؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۲۴/۹؛ طباطبایی، همان: ۹۶/۹؛ مکارم شیرازی، همان: ۱۹۴/۷)

۱۱-۲-۲: نوع إن در آیه ۴۶ انفال

إن در این آیه تعلیلیه است؛ زیرا وقتی گفته صبر کنید سپس در ادامه می‌فرماید خداوند با صابران است، یعنی در برابر سختی‌ها و ناملازمات جنگ می‌گوید: مقاوم باشید، به علت این که خداوند شما را یاری می‌کند و همانا شما را پیروز می‌گرداند و فراموشتان نمی‌گرداند.

با توجه به نکات پیشین در می‌یابیم که عبارت «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ تعلیل و ادامه این سخن خداوند است که می‌فرماید: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»

و به دلیل این که این دو عبارت از یکدیگر مجزاً نیستند وقف بر عبارت (وَ اصْبِرُوا) صحیح نیست و اگر بنا بر ضرورت وقفی صورت گرفت، لازم است از ما قبل آن ابتدا شود.

بنابر سیاق آیه مزبور به نظر می‌رسد مترجمانی که از کلمات تعلیلی مانند زیرا برای ترجمه واژه «إِنَّ» استفاده کرده‌اند (انصاریان و فارسی) معنای آیه را به خوبی منتقل کرده‌اند.

۱۱-۳: «كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ.» (انفال/۵۲)، «(حال این گروه مشرکان) همانند حال نزدیکان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آن‌ها آیات خدا را انکار کردند؛ خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد؛ خداوند قوی، و کیفرش شدید است.»

۱۱-۳-۱: بررسی سیاق آیه ۵۲ انفال

متکلم این آیه خداوند است که چگونگی حال مشرکان قریش را در جنگ بدر بیان می‌کند؛ زیرا سیاق آیات مشخص می‌کند که منظور از آن‌ها که خداوند سبحان در وصفشان فرموده (در آیه قبل) که ملائکه جان‌هایشان را می‌گیرند و عذابشان می‌کنند همان مشرکانی هستند که در جنگ بدر کشته شدند و روش و عادت آن‌ها را همانند دودمان فرعون و آنان که پیش از او بودند (قوم عاد و ثمود) می‌داند. آن‌ها آیات خدا را انکار کردند و خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت و این گناه را سببی برای عذاب آن‌ها برمی‌شمرد.

خداوند خطاب به پیامبر ﷺ، مؤمنان و مردم می‌فرماید: بدانید سنت الهی درباره اقوام و ملت‌ها همیشگی است و این تصور پیش نیاید که آنچه درباره سرنوشت مشرکان میدان بدر و سرانجام شوم آن‌ها گذشت یک حکم استثنایی و اختصاصی بوده؛ بلکه این اعمال از هر کس در گذشته سر زده، و یا در آینده سرزند، چنان نتایجی به بار خواهد آورد.

در آخر آیه می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ" که با توجه به سیاق آیات قبل که در مورد کافران و عذاب آن‌ها گفتگو می‌کند به دو صفت نیرومند و سخت مجازات کردن خداوند اشاره می‌کند، چون خدای تعالی قوی است که هرگز از گرفتن و کیفر دادن آنان ضعیف نمی‌شود، و وقتی هم بگیرد و کیفر دهد شدید العقاب است. (طباطبایی، همان: ۱۰۱/۹؛ مکارم، همان: ۲۰۶/۷؛ آلوسی، همان: ۲۱۵/۵؛ ابن عاشور، همان: ۱۳۴/۹؛ طبرسی، همان: ۸۴۸/۴)

۱۱-۳-۲: نوعِ إِنَّ در آیه ۵۲ انفال

با توجه به سیاق، إِنَّ در این آیه تعلیلیه است و کسانی که در این آیه قایل به جواز بر سر وقف إِنَّ هستند و با گرایش به سیاق، وقف موجب مخدوش شدن پیام الهی می‌گردد، بنابراین در این آیه بهتر است وصل انجام گیرد.

با توجه به سیاق و معنای آیه و تعلیلیه و تأکیدی بودن «إِنَّ» به نظر می‌آید بهترین ترجمه را آقای ارفع ارایه کرده و آن را به معنای "زیرا که" آورده است.

۱۱-۴: «وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِئْهُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ.» (انفال/۵۸)، «و هر گاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به طور عادلانه به آن‌ها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد!»

۱۱-۴-۱: بررسی سیاق آیه ۵۸ انفال

در این آیات (۵۵-۵۹) خداوند به گروهی دیگر از دشمنان اسلام که در طول تاریخ پر ماجرای پیامبر ﷺ ضربات سختی بر مسلمانان وارد کردند و سرانجام نتیجهٔ دردناک آن را چشیدند، اشاره می‌کند. این گروه همان "یهود" مدینه بودند که مکرر با پیامبر ﷺ پیمان بستند و آن را ناجوانمردانه شکستند.

این آیات روشی را که پیامبر ﷺ با این گروه پیمان‌شکن باید در پیش گیرد بیان می‌کند، روشی که مایهٔ عبرت دیگران و رفع خطر این گروه گردد. نخست آن‌ها را بی‌ارزش‌ترین موجودات زندهٔ این جهان معرفی می‌کند: «بدترین جنبندها نزد خدا کسانی هستند که راه کفر پیش گرفتند و هم چنان به آن ادامه می‌دهند و به هیچ رو ایمان نمی‌آورند. سپس خطاب به پیامبر ﷺ و مؤمنان می‌فرماید: گروهی که هر بار با آنان پیمان بستی، عهد شکنی کردند و از خدا پروا نمودند و اصول انسانی را زیر پا گذاشتند، اگر در جنگ آن‌ها را یافتی سخت در هم بکوب که مایهٔ عبرت آنان و امثالشان شود و در همین آیه (۵۸) می‌فرماید اگر آن‌ها در برابر تو در میدان حاضر نشدند ولی قراین و نشانه‌هایی از ایشان ظاهر شده است که در صدد پیمان شکنی هستند و بیم آن می‌رود که دست به خیانت بزنند و پیمان خود را بدون اعلام قبلی یک جانبه نقض کنند، تو پیشدستی کن، و به آن‌ها اعلام نما که پیمانشان لغو شده است مبادا بدون اعلام الغا پیمانشان، به آن‌ها حمله کنی»، زیرا با توجه

به سیاق آیات قبل که در مورد عهد شکنان گفتگو کرده، به همین دلیل هم به پیامبر ﷺ فرموده اگر بدون اعلام قبلی با ایشان به جنگ در آیی، خواهند گفت که خیانت کرده است و تو بدون دلیل خیانت نکن؛ زیرا خداوند خائنان و کسانی که در پیمان خویش راه خیانت در پیش می‌گیرند دوست نمی‌دارد؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (طباطبایی، همان: ۱۱۴/۹؛ آلوسی، همان: ۲۱۹/۵؛ ابن عاشور، همان: ۱۴۲/۹؛ طبرسی، همان: ۸۵۰/۴؛ مکارم شیرازی، همان: ۲۱۶/۷ و ۲۱۸)

۱۱-۴-۲: نوعِ اِنْفَالِ در آیه ۵۸ انفال

با توجه به سیاق، اِنْفَالِ در این آیه تعلیلیه است و کسانی که در این آیه قایل به جواز وقف بر سر اِنْفَالِ هستند با عنایت به سیاق و نکات بلاغی، وقف موجب مخدوش شدن پیام الهی می‌گردد، بنابراین در آیه یاد شده بهتر است وصل انجام گیرد.

مترجمانی چون صلواتی و مشکینی به وسیله قیود تأکید "هرگز" و "همانا" واژه اِنْفَالِ را معنا کرده‌اند، ولی با توجه به سیاق آیه و تعلیلیه بودن این واژه، مترجمانی همانند فولادوند و مکارم که از واژه "زیرا" بهره برده‌اند ترجمه‌ای بهتر را ارائه داده‌اند.

اگر از گروهی بیم خیانت داری، [پیمانشان را] به سویشان افکن، که پیمان گسسته است، و خدا خیانتکاران را دوست نمی‌دارد. زهار کافران گمان نکنند که پیشی گرفته‌اند، آنان هرگز ما را ناتوان نمی‌سازند. (ترجمه صلواتی)

و اگر از خیانت و پیمان‌شکنی گروهی (از آنان که با هم معاهده دارید) بیم داری پس تو نیز (نقض پیمان خود را) بر مبنای تساوی و عدالت به سوی آنها بیفکن (و بدون اعلام، پیمان خود مشکن) که همانا خداوند خائنین را دوست ندارد. (ترجمه مشکینی)

۱۱-۵: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ.» (انفال/۵۹)، «آنها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال)، پیش برده (و از قلمرو کیفر ما، بیرون رفته‌اند)! آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد!»

۱۱-۵-۱: بررسی سیاق آیه ۵۹ انفال

کلمه «وَلَا يَحْسَبَنَّ» قرائت غیر مشهور و قرائت شهرت یافته آن با تاء خطاب است، در این آیه در مورد کفار جنگ بدر گفتگو می‌کند که از پیامبر ﷺ شکست خوردند.

خداوند خطاب به رسول خدا ﷺ به منظور خوشدل ساختن و تقویت قلب آن حضرت در برابر کفار چنین می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ»؛ «ای محمد ﷺ، گمان نکن که دشمنان کفر پیشه تو، بر فرمان خدا پیشی گرفته و آن را زیر پا گذاشته و بر آن غالب گشته‌اند. آن‌ها از دست تو رهایی نمی‌یابند و خداوند چنان که وعده کرده است تو را پیروزی می‌بخشد و بر آن‌ها غالب می‌سازد.» برخی گویند: منظور این است که قلب پیامبر ﷺ را همان گونه که در مورد کشتگان در جنگ بدر شاد کرد، در باره فراریان نیز شاد گرداند.

"إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ" تعلیل جمله "وَلَا يَحْسَبَنَّ..." است. و معنایش این است که: ای پیغمبر تو مپندار آنان که کافر شده از ما پیشی گرفته‌اند، و ما نمی‌توانیم به آن‌ها برسیم، چون اینان نمی‌توانند خدا را عاجز کنند، چگونه می‌توانند و حال آنکه قدرت بر هر چیز منحصرأ از آن او است. (طباطبایی، همان: ۱۱۵/۹؛ طبرسی، همان: ۸۵۲/۴؛ ابن عاشور، همان: ۹؛ زمخشری، همان: ۲۳۱/۲؛ ابوحنیان، ۱۴۲۰: ۳۴۲/۴)

۱۱-۵-۲: نوع إِنَّ در آیه ۵۹ انفال

إِنَّ در این آیه تعلیلی است. حال با روشن شدن ارتباط معنایی عبارت مذکور با ما قبل، لازم است از وقف بر قبل از واژه «إِنَّ» خودداری شود و چنانچه تلاوتگر مجبور به این عمل شود باید از جایی که در معنای آیه خلل ایجاد نمی‌کند، ابتدا نماید.

إِنَّ در این آیه با توجه به سیاق و روابط معنایی آیه تعلیلی است پس آقای فولادوند که "زیرا که" معنی کرده، بهترین گزینه را برای ترجمه ارایه داده است. در مقابل نیز مترجمانی چون بهرام پور و مکارم از قیود تأکید هیچ وقت و هرگز استفاده کرده‌اند.

«آن‌ها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال)، پیش برده‌اند (و از قلمرو کیفر ما، بیرون رفته‌اند)! آن‌ها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد!» (ترجمه مکارم شیرازی)
«و کافران گمان نکنند که جلو افتاده‌اند آنان هیچ وقت نمی‌توانند [خدا را] عاجز کنند.» (ترجمه بهرام پور)

۱۱-۶: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ.» (توبه/۵۲)، «بگو آیا در باره ما جز یکی از دو نیکی انتظار دارید (یا بر شما پیروز می‌شویم و یا شربت شهادت می‌نوشیم) ولی ما انتظار داریم یا عذابی از طرف

خداوند (در آن جهان) یا به دست ما (در این جهان) به شما برسد، اکنون که چنین است شما انتظار بکشید ما هم با شما انتظار می‌کشیم.»

۱۱-۶-۱- بررسی سیاق آیه ۵۲ توبه

آیات ۳۸ تا ۷۰ در مورد منافقان است و آن‌ها را سرزنش می‌کند و به آن‌ها هشدار می‌دهد در آیه ۴۹ به این ویژگی منافقان می‌پردازد که به بهانه‌های واهی در صد هستند از جنگ سرباز زنند. می‌فرماید از منافقان کسانی که می‌گویند به ما اجازه جنگ نده چون ما به گناه می‌افتیم. در شأن نزول این آیه آمده که فردی به نام "جدی بن قیس" نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت من زنان را دوست می‌دارم و اگر به جنگ آیم و چشمم به زنان زیباروی رومی، افتد دل از دست می‌دهم. در این موقع این آیه نازل شد و گفت این بهانه است و در واقع شما با شانه خالی کردن از جهاد هم اکنون در فتنه و گناه هستید.

در آیه بعد می‌فرماید: این منافقان اگر برای شما رویداد خوبی پیش آید ناراحت می‌شوند و اگر مصیبتی بر تو وارد آید می‌گویند ما کارمان را پیش از این تدبیر کردیم و شادمان رویگردان می‌شوند، در آیه بعدی خداوند به پیامبر ﷺ و مؤمنان می‌فرماید در جواب آن‌ها بگو جز آن‌چه خدا خواسته اتفاق نمی‌افتد او مولای ما است و اهل ایمان بر او توکل می‌کنند و باز هم جوابی دیگر به آن‌ها می‌دهد که به منافقان بگو: «هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلاَّ اِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ»، «آیا برای ما جز یکی از دو نیکی را انتظار می‌کشید؟!» ما یا دشمنان را در هم می‌کوبیم و پیروزمندانه از جبهه جنگ بیرون می‌آسیم و یا کشته می‌شویم و شربت شهادت را با افتخار می‌نوشیم، به هر دو جهت ما موفق هستیم. اما به عکس «تَحْنُ تَرَبَّصُ بِكُمْ اَنْ يُصِيبَكُمْ اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ اَوْ بِاٰيٰتِنَا»، «ما در مورد شما یکی از دو بدبختی، تیره روزی، بلا و مصیبت را انتظار می‌کشیم یا در این جهان و جهان دیگر مجازات می‌بینید و یا به دست خود ما نابود می‌شوید» و در آخر می‌فرماید: «فَتَرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُّتَرَبِّصُونَ»، یعنی با حالت تهدید و وعید می‌گوید: شما انتظار بکشید و ما هم با شما انتظار می‌کشیم. (ابن عاشور، همان: ۱۱۹/۱۰؛ طبرسی، همان: ۵۸/۵؛ ابوحیان، همان: ۴۳۳/۵؛ آلوسی، همان: ۳۰۶/۵؛ طباطبایی، همان: ۳۰۷/۹؛ مکارم، همان: ۴۴۳/۷)

۱۱-۶-۲: نوع این در آیه ۵۲ توبه

این در این آیه تأکیدیه است، یعنی ما منتظر عاقبت شوم و سیه‌روزی شما با این رفتارتان خواهیم بود و منتظر هستیم که خداوند شما را در این جهان و جهان دیگر مجازات کند و یا این که

به دست خود ما نابود شوید پس منتظر هلاکت و نابودی شما به هر صورتی چه در این جهان و چه در جهان آخرت هستید و شما هم منتظر بمانید که یا سعادت ما (پیامبر ﷺ و مؤمنان) را در این جهان با پیروزی و یا در جهان آخرت در بهشت ببینید. پس **إِنَّ** تأکیدی است، یعنی با تأکید و حتمیت وعده می‌دهد که سرانجام سعادت مؤمنان و عاقبت شوم منافقان به زودی مشخص می‌شود. بنابراین با توجه به این که عبارت فوق تأکید و تأیید سخن قبل مؤمنان است، هر دو حالت وقف و وصل صحیح است.

با توجه به این که **إِنَّ** در این آیه تأکیدی است، بهتر است مترجمان از واژه‌هایی که تأکید را می‌رساند، استفاده کنند.

۱۱-۷: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخْرِضُوا اللَّهَ مَخْرَجَ مَا تَخَذُورُونَ.» (توبه/۶۴)، «منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می‌سازد!»

۱۱-۷-۱: بررسی سیاق آیه ۶۴ توبه

در این آیات مثل آیات قبل به ویژگی منافقان می‌پردازد و آنها را از این که پیامبر ﷺ را مورد اذیت و آزار خود قرار می‌دهند سرزنش می‌کند و پیامبر ﷺ را رحمتی برای کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌داند. منافقان برای جلب رضایت مردم قسم می‌خورند در حالی که خدا و پیامبرش ﷺ سزاوارتر به این هستند که از دست آنها راضی شوند سپس خدای تعالی به صورت توبیخ و سرزنش این منافقان می‌فرماید:

«أَلَمْ يَلْمُوكُمْ أَنْتُمْ لَمَّا كُنْتُمْ كُفْرًا فَذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّشْرِكُونَ» (توبه/۶۳)، «آیا اینان نمی‌دانند که هر کس از حدودی که خداوند برای مکلفین تعیین فرمود تجاوز کند برای آنها جهنمی است که در آن جاودانه می‌مانند و این رسوایی و خواری بزرگ برای آنان است.»

در این آیه به ذکر خصوصیتی دیگر از خصوصیات منافقان و زشتی دیگر از زشتی‌ها و جرایم آنان می‌پردازد که همواره سعی داشتند با پرده نفاق آن را بپوشانند. آنان کمال مراقبت را داشتند که مبادا آن زشتی از پرده بیرون بیفتد و سوره‌ای از قرآن در باره آن نازل شود و نقشه شوم آنان را نقش بر آب کند. روایتی هم از مسلم آمده که آنها از روی تمسخر اظهار ترس می‌کردند نه از

روی حقیقت؛ زیرا وقتی متوجه شدند که رسول خدا ﷺ در هر پیشامدی به وحی الهی سخن می‌گوید، از روی تمسخر و خنده به یکدیگر می‌گفتند: مواظب باشید وحی درباره شما نازل نشود. و جبائی گفته: اینان می‌ترسیدند که آن حضرت در گفتار خود صادق باشد و درباره آنها وحی نازل گردد و رسوا شوند. مجاهد روایت کرده: آنان میان خود سخنانی بر زبان می‌راندند سپس به دنبال آن سخنان می‌گفتند: امید است خداوند راز ما را فاش نکند.

در این آیه اگر چه «يَحْذَرُ...» به صورت خبر ذکر شده، ولی معنای آن امر است، مانند آن که گفته شود: منافقان باید بترسند از این که سوره‌ای درباره آنان نازل شود در ادامه آیه نیز آمده «قُلِ اسْتَهِزُّوْا» ای محمد به این منافقان بگو مسخره کنید در نتیجه این کلام تهدید می‌باشد که به صورت امر آمده است.

از آیه فوق استفاده می‌شود که منافقان در دل از حقایق دعوت پیامبر ﷺ با خبر بودند، و ارتباط او را با خدا به خوبی می‌دانستند، ولی با این حال بر اثر لجاج و عناد و دشمنی با حق، به جای این که در برابر او تسلیم باشند، کارشکنی می‌کردند، به همین دلیل قرآن می‌گوید: منافقان از این بیم داشتند که آیاتی بر ضد آنها نازل شود، و مکنون خاطرشان را آشکار سازد.

توجه به این نکته نیز لازم است که جمله «تُنزَلُ عَلَيْهِمْ» به این معنا نیست که این گونه آیات بر منافقان نازل می‌شد؛ بلکه منظور این است که درباره آنها و بر ضد ایشان بوده، هر چند بر شخص پیامبر نازل می‌گردید و در آخر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ» خداوند آشکار سازد آنچه را شما ترس آشکار شدنش را دارید، یعنی خداوند برای پیغمبرش درون حال و نفاق شما را آشکار می‌سازد. این که انسان به دشمنش می‌گوید: "هر قدر کارشکنی و اذیت و آزار در قدرت داری بکن، پاسخ آنها را یک جا خواهم داد" این گونه تعبیرات در مقام تهدید ذکر می‌شود. (آلوسی، همان: ۳۱۹/۵؛ زمخشری، همان: ۲۸۶/۲؛ طبرسی، همان: ۷۱/۵؛ طباطبایی، همان: ۳۲۵/۹؛ مکارم، همان: ۲۴/۸)

۱۱-۷-۲: نوعِ اِنْ در آیه ۶۴ توبه

"اِنَّ" در این آیه تأکیدی است، یعنی می‌فرماید شما به این اعمال خلافتان ادامه دهید و خداوند و پیامبر ﷺ و مؤمنان را هم‌چنان مسخره کنید که حتماً خداوند در جواب استهزای شما پاسخی مناسب می‌دهد و این گونه رفتارهای نامناسب و استهزاهایتان را بی‌پاسخ نمی‌گذارد و از هرچه

می‌ت رسید آن را آشکار می‌کند، آن وقت متوجه اعمال زشتتان می‌شوید و رسوا خواهید گردید و دیگر آبرویی نزد مردم ندارید و به سرانجام شوم کارهایتان می‌رسید.

با توجه به عبارت پایانی آیه و تأکیدیّه بودن إِنَّ، هر دو حالت وقف و وصل جایز است. چون در این آیه «إِنَّ» تأکید را می‌رساند مترجمانی چون بهرام پور، فولادوند، خرمشاهی، صلواتی، فارسی و مشکینی که از واژگان "بی تردید" و "بی گمان" استفاده کرده‌اند مفهوم آیه را بهتر منتقل کرده‌اند.

۱۱-۸: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَيَخْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.» (توبه/۱۰۷)، «(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می‌کنند که نظری جز نیکی (و خدمت) نداشته‌ایم، اقا خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغگو هستند!»

۱۱-۸-۱: بررسی سیاق آیه ۱۰۷ توبه

این آیات در مورد منافقان است. گروهی از آنان توبه کردند و خواستار جبران گناه خود شدند حتی اموال خود را به پیامبر ﷺ دادند. پیامبر ﷺ چون توبه آنها پذیرفته گشته بود به اذن خدا اموالشان را قبول کرد و به این وسیله آنها پاک و تزکیه شدند، به این خاطر به پیامبر ﷺ دستور داده شد که برای آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنها می‌شود و خداوند شنوا و دانا است. در آیه (۱۰۴) قبولی توبه را از طرف خداوند می‌داند و بر این که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است، تأکید می‌کند.

در آیه (۱۰۵) می‌فرماید: به مردم ابلاغ کن که اعمال و وظایف خود را انجام دهید و بدانید هم خدا و هم رسولش و مؤمنان اعمال آنها را خواهند دید و کسی تصور نکند کوچک‌ترین عملی از دیدگاه علم خداوند مخفی می‌ماند. در آیه (۱۰۶) به گروهی دیگر از گنهکاران اشاره شده که عاقبت امرشان مشخص نیست. اینان کسانی هستند که بین مؤمنان و گنهکاران عامد و بدون توبه قرار دارند و سرنوشتشان معین نیست. در ادامه، آیه با دو صفت علیم و حکیم پایان می‌یابد. یعنی فقط خداوند به عاقبت و سرنوشت آنان عالم است و او با حکمت خود با آنها رفتار خواهد کرد.

بعد از اشاره به گروه‌های مختلف در آیات قبل در این آیه افرادی دیگر را معرفی می‌کند، گروهی که با یک نقشه‌ ماهرانه و حساب شده وارد میدان شدند، ولی لطف الهی به یاری مسلمانان شتافت و این نقشه نیز نقش بر آب گشت. این اشخاص مسجدی را به نام "ضرار" که نزدیک مسجد "قبا" بود ساختند و از پیامبر ﷺ خواستند که در آن نماز گزارد. اینان افراد حسودی به شمار می‌رفتند که هدفشان از ساختن مسجد ایجاد کفر و تفرقه بین مؤمنان و قلعه‌ای برای اجرای نقشه‌های فاسد خود بود. آنان حتی سوگند یاد می‌کردند که ما جز نیکی قصد و نظری دیگر نداریم «وَلَا يَخْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى»؛ ولی در پایان این آیه هدف شومشان مشخص می‌شود: «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» خداوند به اسرار درون همه آگاه است و گواهی می‌دهد که به طور مسلم آن‌ها دروغگو هستند. پیامبر ﷺ نیز به افرادی دستور داد آن مسجد را آتش زند و به زباله‌دان تبدیل کنند. (طباطبایی، همان: ۵۳۰/۹؛ طبرسی، همان: ۱۱۰/۵؛ مکارم، همان: ۱۳۹/۸؛ آلوسی، همان: ۱۹/۶)

۱۱-۸-۲: نوعِ اِنْ در آیه ۱۰۷ توبه

اِنْ در این آیه تأکیدیته است، توجه به سیاق آیات بعد، این معنا را تأیید می‌کند (لَا تَقُمْ فِيهِ اَبَدًا) در این مسجد هرگز نماز نخوان و فرموده مسجدی که بنیانش بر تقوا باشد سزاوار است در آن نماز بخوانی و مسجد ضرار را مایه اضطراب و پریشانی دل‌های منافقان می‌داند.

پس با وجود تأکید در آیه‌های بعدی قطعاً اِنْ تأکیدیته است، یعنی تأکید می‌کند به راستی این گروه دروغگو هستند و هدفشان کاملاً بر خلاف سوگند هایشان است.

در این آیه اِنْ تأکیدیته است، چون خداوند با تأکید بیان فرموده که منافقان قطعاً دروغگو هستند، بنابراین مترجمانی چون انصاریان، فولادوند، فارسی و مشکینی که از قیود تأکید "بی تردید" و "قطعاً" استفاده کرده‌اند ترجمه‌ای بهتر ارائه داده‌اند. در مقابل نیز مترجمانی مانند بهرام پور، خرّمشاهی، مکارم، ارفع و صلواتی تنها به آوردن حرف ربط "که" بسنده کرده‌اند.

«و آن کسانی که مسجدی برگزیدند تا مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان و کمینگاهی برای کسانی که از پیش به خدا و پیامبرش اعلان جنگ داده‌اند باشد؛ و پیوسته سوگند می‌خورند که هدفی جز نیکی نداشته‌ایم! و خدا گواهی می‌دهد که اینان دروغگویانند.» (ترجمه صلواتی)

نتیجه گیری

تأکیدی و تعلیلی بودن إِنَّ از جمله مسایلی مهم است که به طور مستقیم و عمیق با سیاق آیات قرآن مرتبط است؛ لذا قاری قرآن باید با آگاهی از سیاق، کلام الهی را به بهترین شکل تلاوت نماید تا منظور صحیح از آیات به خوبی به شنونده منتقل شود به همین جهت برای حصول این نتیجه، توجه عمیق به مفاهیم آیات قرآنی و هم‌چنین ارتباط معنایی میان آیات یکی از مهم‌ترین شرایط است.

اگر قاری تسلط کامل بر سیاق نداشته باشد و در تشخیص نوع «إِنَّ» اشتباه کند به معنای آیات قرآن خلل وارد می‌آورد و در برخی مواقع حتی خلاف منظور مورد نظر را می‌رساند. واژه «إِنَّ» با قرار گرفتن در ساختارهای مختلف، معانی متفاوت پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که این واژه علاوه بر معنای تأکید و ربط، معنای تعلیل را نیز می‌رساند. به کار رفتن این کلمه پس از امر یا نهی و در انتهای جملات کاربرد فراوان دارد که معنای تعلیل را بدان می‌بخشد. و با استفاده از سیاق آیات نیز می‌توان به این معنا پی برد.

مفسران در اغلب آیات به معنای تعلیلی «إِنَّ» پی برده و به آن اشاره نموده‌اند. «إِنَّ» در چنین مواردی ارتباط دهنده جملات قبل و بعد از خود به حساب می‌آید، به گونه ای که عبارت پس از خود را به ما قبلیش وابسته می‌نماید؛ لذا در این موارد شایسته است قاری قرآن تا حدّ ممکن از وقف بر سر این واژه اجتناب ورزند و چنانچه ضرورتی مانند اتمام نفس او را وادار به وقف کند، از جایی که در معنای آیه خللی ایجاد نکند تلاوت را آغاز نماید.

از بررسی ترجمه‌های منتخب مشاهده شد که مترجمان در ترجمه «إِنَّ» گاهی درست عمل نموده و برای آن معنای تعلیل را برگزیده و گاهی نیز به خطا رفته‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۲- ابن جزری، ابوالخیر محمد بن محمد (بی تا)، *النشر فی القراءات العشر*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۳- ابن درید، محمد بن حسن (بی تا)، *جمهرة اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۴- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسة التاریخ.
- ۵- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، *لسان العرب*، ج ۱۰، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
- ۷- ارفع، سید کاظم (۱۳۸۱)، *ترجمه قرآن*، تهران: فیض کاشانی.
- ۸- اشمونی، احمد بن محمد بن عبد الکریم (۱۳۲۲)، *منار الهدی فی بیان الوقف و الابتداء*، قاهره: بی نا.
- ۹- افرام البستانی، فؤاد (۱۳۹۲)، *فرهنگ المعجم الوسیط*، ترجمه محمد بندر ریگی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسلامی.
- ۱۰- اندلسی، ابو حنیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- ۱۱- انصاریان، حسین (۱۳۸۳)، *ترجمه قرآن*، چاپ دوم، قم: اسوه
- ۱۲- برکات، ابراهیم ابراهیم (بی تا)، *التحو العربی*، الطبعة الأولى، قاهره: دار النشر للجامعات.
- ۱۳- برکاوی، عبدالفتاح عبدالعلیم (۱۴۱۱)، *دلالة السياق بین التراث و علم اللغة الحدیث*، الطبعة الأولى، قاهره: دارالمنار.
- ۱۴- بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۸۷)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت
- ۱۵- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲)، *ترجمه شناسی قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ۱۶- توکلی، محسن (۱۳۸۹)، *معناشناسی نحوی اِنَّ و اَنَّ در قرآن کریم و برابریابی آن به فارسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ۱۷- جوادی، نرجس (۱۳۹۴)، *بررسی نوع وقف و وصل بر «اِنَّ» و تأثیر آن بر برخی از ترجمه های قرآن (جزء ۴ تا ۶)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ۱۸- حبیب اللّهی، مهدی (۱۳۹۴)، *نظام معنایی جمله های مشابه در قرآن کریم*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ۱۹- حسینی خراسانی، قاسم و محمود ملکی اصفهانی (۱۴۲۷)، *قواعد النحویة*، چاپ اول، قم: بی نا.
- ۲۰- حوی، سعید (۱۴۲۴)، *الاساس فی التفسیر*، قاهره: دار السلام

- ۲۱- خامه گر، محمد (۱۳۸۶)، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۲۲- خرّمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۵)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: جامی.
- ۲۳- درخشانی راد، معصومه (۱۳۹۴)، *بررسی نوع وقف و وصل بر «إِنَّ» و تأثیر آن بر برخی از ترجمه های قرآن*، (جزء ۱ تا ۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ۲۴- دقر، عبدالغنی (بی تا)، *معجم النحو، الطبعة الأولى*، دمشق: مطبعة محمد هاشم الکتبی.
- ۲۵- زرکشی، محمد بن عبد الله (۱۴۱۰)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- ۲۶- زمانی، فاطمه (۱۳۹۶)، *بررسی نوع وقف و وصل بر «إِنَّ» و تأثیر آن بر برخی از ترجمه های قرآن*، (جزء ۱ تا ۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ۲۷- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۲۸- سادات فاطمی، سید جواد (۱۳۸۲)، *پژوهشی در وقف و ابتداء*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ۲۹- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۷۶)، *ترجمه الاتقان*، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.
- ۳۰- شکرانی، رضا (۱۳۸۰)، «درآمدی بر تحلیل ساخت های نحوی قرآن»، *مقالات و بررسی ها*، شماره ۶۹، صص ۱۱-۳۰.
- ۳۱- شکرانی، رضا؛ توکلی، محسن (۱۳۹۱)، «برابریابی «إِنَّ» در ابتدای آیات قرآن کریم بر پایه دستور زبان زایشی - گشتاری»، *پژوهش های زبان شناختی قرآن*، شماره ۲، صص ۱-۲۲.
- ۳۲- شیبانی، اسحاق بن مرار (بی تا)، *الجمیم*، قاهرة: الهيئة العامة لشئون المطابع الامیرية.
- ۳۳- صلواتی، محمود (۱۳۸۷)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: مبارک
- ۳۴- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۵- _____، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۶- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات فراهانی.
- ۳۷- _____، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- ۳۸- طریحی، فخرالدین بن محمد (بی تا)، *مجمع البحرین*، بی جا: بی نا.

- ۳۹- علامی، ابوالفضل (بی تا)، *در آمدی بر دانش وقف و ابتداء*، تهران: انتشارات سروش.
- ۴۰- عوض صالح، عبدالکریم ابراهیم (۲۰۰۵)، *الوقف و الابتداء وصلتهما بالمعنى فى القرآن الكريم*، قاهرة: دارالسلام.
- ۴۱- فارسی، جلال الدین (۱۳۶۹)، *ترجمه قرآن*، تهران: انجام کتاب.
- ۴۲- فاضل سعدی، احمد (۱۳۸۸)، *فن ترجمه، ترجمه سهام مخلص*، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- ۴۳- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۳۶۷)، *کتاب العین*، قم: چاپ دوم، مؤسسه دار الهجرة.
- ۴۴- فولادوند، محمد مهدی (۱۳۸۸)، *ترجمه قرآن مجید*، تهران: جمهوری اسلامی.
- ۴۵- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، *القاموس المحيط*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۴۶- قاسم نژاد، زهرا (۱۳۹۲)، *سیاق و اثر آن در اختیار قرائات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ۴۷- قاسم نژاد، زهرا (۱۳۹۲)، «نقش سیاق در اختیار وجوه قراءات»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره ۲۰، صص ۵۱-۸۴.
- ۴۸- کریمی نیا، مرتضی (اسفند ۱۳۷۶)، «چه را ترجمه نکنیم و چرا؟»، *ترجمان وحی*، شماره ۲، صص ۱۶-۳۹.
- ۴۹- محققان، زهرا (۱۳۹۴)، *سیاق شناسی آیات متشابه (مورد مطالعه سوره حمد و بقره)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ۵۰- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۲)، *ترجمه قرآن*، قم: مرکز چاپ و نشر قرآن کریم الهادی.
- ۵۱- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دار الکتب العلمیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- ۵۲- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۵۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۵۴- میرمحمدصادقی، ریحانه سادات (۱۳۹۴)، *بررسی نوع وقف و وصل بر «إِنَّ» و تأثیر آن بر برخی از ترجمه های قرآن (جزء ۷ تا ۹)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان.